

آقای حاج سیدزین العابدین سبزواری

زندگانی حضرت رضا علیه السلام

۲

ورود امام بمر و

همینکه خبر ورود حضرت رضا بمر رسید در مردم آن شهر شور و شغف زائد الوصفی پیدا شد .

مردم در انتظار ورود آنحضرت دقیقه شماری مینمودند مامون دستور داد که مراسم استقبال شایان فراهم آورند و امراء و بزرگان همه از سوکب حضرت استقبال کنند (۱)

حتی خود مامون نیز باستقبال حضرت شتافت و آنچه لازمه احترام و تجلیل بود بجای آورد . آنگاه دستور داد تا وسائل پذیرائی آنحضرت را از هر جهت مهیا و خدمتگزاران چندی هم برای خدمت معین کنند .

پیشنهاد مامون درباره خلافت و ولایتعهدی

چون مدتی از ورود حضرت رضا (ع) بمر گذشت و دید و بازدیدها انجام یافت مامون در صدد بر آمد که نظر خود را در باره واگذاری خلافت بآنحضرت عملی سازد محمد پارسا در کتاب خود (فصل الخطاب) مینویسد چون حضرت رضا (ع) در مرو بمامون پیوست مامون بر حضرتش عرض خلافت نمود وخواست اصل خلافت را بآنحضرت واگذار کند اما حضرت رضا (ع) قبول نمود و در این باره عذرهای آورد و پاسخهایی بمامون داد . مامون در این خصوص بسیار پافشاری داشت اما در هر نوبت حضرتش جوابهایی باو میدادند بالاخره مامون اظهار داشت حال که از قبول خلافت امتناع داری باید ولایت عهدی را بعد از من قبول فرمائی . در پاسخ این تقاضا نیز

حضرت رضا (ع) فرمود من از پدرم شنیدم که او از آباء خود و آنها از پیغمبر شنیده اند که من پیش از تو از دنیا خواهم رفت بعضی نوشته اند که مامون مدت دو ماه این تقاضا را مکرر می نموده و حضرتش قبول نفرمودند .

در مناقب و ارشاد نوشته شده که حضرت رضا (ع) مکرر از قبول ولایتعهدی مامون عذر خواسته است . بالاخره روزی حضرت را بخلوت خواست و سخنانی تهدید آمیز بوی گفت و در این مجلس تنها فضل بن سهل وزیر مامون حضور داشت .

از جمله سخنان مامون این بود . « مگر نه عمر شوری را بین شش نفر که یکی از آنها جدت امیرالمومنین علی (ع) بود قرار داد . در آنجا خلیفه شرط کرد که هر يك از آنها مخالفت کند گردن او را بزنند »

حضرت که متوجه سخنان تهدید آمیز مامون شد فرمود من ولایتعهدی را می پذیرم بشرط آنکه امر و نهی نکرده و حکمی صادر نکنم . و در عزل و نصب و لایة و حکام نیز دخالت نداشته باشم . مامون قبول کرد و بی اندازه اظهار خرسندی نمود پس دستور داد که ولایتعهدی حضرت رضا (ع) را بر مردم در همه جا ابلاغ کنند .

مراسم ولایتعهدی

طبری در تاریخ خود نوشته است که مامون در سال ۲۰۱ حضرت علی بن موسی (ع) را ولی عهد و خلیفه مسلمین بعد از خود قرار داد و او را رضای آل محمد (ص) لقب داد آنگاه دستور داد این امر را به مردم اعلام نمایند .

صاحب نور الابصار مینویسد چون حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با اصرار فضل بن سهل و برادرش حسن ناچار از قبول ولایتعهدی مامون گردید در روز پنجشنبه پنجم ماه رمضان سال ۲۰۱ مامون مجلس مفصلی تشکیل داد که در آن همه بزرگان ازامراء دولت و سران سپاه و اعیان مرو حضور داشتند در این مجلس مامون حضرت رضا (ع) را ولی عهد و خلیفه مسلمین بعد از خود معرفی نموده آنگاه خطباء و شعراء در این باره قصائد و اشعار نیکو سرودند و بدره های بشمار زر که قبلا تهیه شده بود بین حضار هر کس را بغرا خور حال خود تقسیم شد .

صدوق از بیهقی نقل نموده « وقتیکه همه با علی بن موسی بن جعفر بیعت کردند مامون بمنبر بالا رفته گفت (ای گروه مردم من شما را به بیعت علی بن موسی بن جعفر در آوردم و بخدا قسم که این نامها اگر بر کران و کوران خوانده شوند یقین که باذن خدا یتعالی خوب و سالم خواهند شد ...)

در ارشاد نقل شده که عباس فرزند مامون بامر پدرش از جا برخاسته و دست

حضرت رضا (ع) را بوسید سپس مامون باو دوباره اذن جلوس داد بعد از او به محمد بن جعفر بن محمد عم بزرگوار حضرت رضا امر شد که از جا برخیزد او هم تا برابر مامون رسید ایستاده دست او را بوسید. در همین خبر است که ابو عباد نام از طرف مامون يك يك علویین و عباسیان را که در مجلس بودند احضار کرده و با آنها سیم و زر و جواهر گرانها میداد.

بعد از تقسیم جوایز مامون به حضرت رضا (ع) عرض کرد که برای مردم خطبه بخواند حضرت هم خطبه بسیار کوتاهی خواند و دیگر چیزی نفرمود.

شیخ بهائی در کشکول مینویسد «حضرت ضمن قبول ولایتهدی این نکته را نیز متذکر شد که تو از حقوق ما شناختی آنچه را که پدران تو نشناختند و باین ترتیب من از تو ولایتهدی را قبول نموده و پذیرفتم اما جعفر و جامعه دلالت دارند که این امر تمام نشده و انجام نخواهد گرفت ...»

مامون فرمان ولایتهدی حضرت رضا (ع) را بخط خود نوشته و حضرت هم با تصرفاتی که در بین سطور خط مامون فرمودند اعتراف خود را مرقوم داشته اند. عده دیگر از بزرگان آن زمان نیز اعتراف نوشته و آنرا امضاء نموده اند. در مطلع الشمس مینویسد که این فرمان تاعهد سلطنت امیر تیمور در مشهد در خزانه حضرت رضا (ع) باقی بوده و ملا سعید تفتازانی هم آنرا دیده است.

پس از استقرار امر ولایت عهدی مامون فرمان داد که بنام مبارک حضرت رضا سکه زدند.

مضمون عبارتهائی که در این خصوص نقل شده مختلف است و ممکن است چند رقم بوده و پولهای مختلف بنام مبارک آنحضرت ضرب شده باشد. مثلاً بعضی از پولها در مرو و برخی در شهر اصفهان ضرب شده است.

اعتراض مردم بر مامون و جواب او

میگویند بعد از این وقایع بمامون گفتند تو اولاد علی بن ابی طالب (ع) را برتر از بنی عباس میدانی و آنها را بیشتر دوست میداری. مامون در جواب آنها گفت خواستم آنچه را که علی بن ابی طالب (ع) از احسان و گذشت در باره ما انجام داده تلافی کنم. چه آنکه امیرالمومنین علی (ع) به عبدالله بن عباس (جد ما) حکومت بصره را داد و عبیدالله عباس را والی یمن کرد و سعید بن عباس را ولایت مکه داد. همچنین قثم بن عباس را حکومت بحرین بخشید و باین ترتیب هر یک از اولاد و بنی اعمام خود را

در مرزی والی فرمود . در صورتیکه سه خلیفه قبل از او به هیچک از بنی هاشم ولایت و منصبی تفویض نکرده بودند . به شخص حضرت علی بن موسی (ع) نیز همین اعتراض از طرف بعضی از مردم شده بود . حتی بعضی از این اشخاص در صدد قتل آنحضرت برآمدند . اما حضرت رضا (ع) در جواب اعتراض آنها می فرمود آنچه یوسف پیغمبر را بقبول ولایت مصر و جدم امیر المؤمنین (ع) را به دخول در شوری و ادار نموده بود مرا نیز به قبول این امر مجبور نمود .

بهر حال صدوق از یاسر خادم و ریان بن صلت نقل میکند وقتی که حضرت رضا (ع) ولایت عهدی مامون را قبول فرمود مامون که خود از این عمل بسیار خوشنود بود کلیه حکام و قضات و سران لشکر و بزرگان دیگر را خواسته و همه را با بذل مال بسیار و منصب خرسند نمود و آنها همگی باین امر راضی شدند . تنها سه نفر بنام های عیسی جلودی ، علی بن ابی عمران و ابویونس . زیر بار نرفتند و مامون دستور داد آنها را زندانی کنند . بعضی هم چنین نقل کرده اند که آن سه نفر در مجلس با مامون کردن زدند باین ترتیب ولایت عهدی حضرت رضا (ع) مسجل و با برجا گردید .

(ناتمام)

سینی چینی

عکس پشت جلد

سینی چینی ستاره شکل بقطر ۴۵ سانتیمتر ساخت قرن نهم هجری هشت گوشه زمینه سفید که با گل های درشت آبی رنگ روی بوته قرار گرفته و بگلبرگ های کوچک زینت شده است لبه و دیواره و متن سفید پشت آن قهوه ای رنگ میباشد نقش پشت آنرا نیز یک ستاره هشت گوش تشکیل میدهد .

از این قبیل چینی های نفیس تاریخی یک کلکسیون بزرگ و پر بها در موزه آستان قدس موجود است که در ویتترین های زیبایی بنمایش گذارده شده و بتالارهای موزه زیبایی خاصی بخشیده است .